

"بررسی تطبیقی سرقت‌های ایستگاه‌ها و غیرایستگاه‌ها"

شهرهای استان زنجان در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷*

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۲۷

دکتر حسین قدرتی^۱

یوسف پیانلو^۱

تاریخ پذیرش: ۹۰/۳/۴

مریم بیات^۲

محمدحسین حسینی^۲

چکیده

سرقت یا همان دزدی یکی از رایج‌ترین جرایم در همه جوامع بوده و هست. در ایران سرقت یکی از جرایمی است که بسیار اتفاق می‌افتد و اهمیت نسبی آن در میان مجموعه جرایم رو به فزونی است. معمولاً برای ترسیم تصویری از وضعیت سرقت در یک جامعه به آمار دادگاه‌ها و پلیس مراجعه می‌کنند (اجلالی، ۱۳۸۱: ۶۳).

هدف این تحقیق بررسی تطبیقی میزان وقوع سرقت‌های ایستگاهی و غیرایستگاهی در شهرهای استان زنجان می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش، همه سارقانی است که در طول سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ در شهرهای استان زنجان، اقدام به سرقت نموده‌اند که تعداد آنها ۴۹۳ نفر بوده است. از میان این تعداد، ۸۸ نفر به سرقت ایستگاهی اقدام نموده‌اند که ویژگی‌ها و مشخصات آنها به صورت دقیق‌تر مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق در این پژوهش به صورت ترکیبی بوده و با استفاده از روش‌های کیفی و کمی و به صورت اسنادی و میدانی انجام گردیده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه معکوس و در برخی موارد نیز به وسیله انجام مصاحبه و مشاهده جمع‌آوری گردیده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و از آماره‌های ضرایب همبستگی مربوط به سطوح سنجش اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای، آزمون‌های پارامتریک و ناپارامتریک، آزمون همبستگی‌های مربوط به سطوح سنجش مختلف استفاده شده است. از جمله نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

بین متغیرهای "نحوه سرقت و انگیزه سارقان" رابطه معنادار وجود داشته است همچنین بین متغیرهای "نحوه سرقت و سابقه کیفری"، "نحوه سرقت و داشتن اعتیاد به مواد مخدر"، "نحوه سرقت و نوع سرقت"، "نحوه سرقت و محل سکونت" و "نحوه سرقت و محل تولد سارقان" رابطه معناداری حاصل گردید در حالی که رابطه معناداری بین متغیرهای "نحوه سرقت و تاهل"، "نحوه سرقت و جنسیت" و "نحوه سرقت و سواد" وجود نداشته است.

واژه‌های کلیدی:

سرقت، سرقت ایستگاهی^۱، سرقت غیرایستگاهی^۲، انگیزه‌های سرقت، امنیت اجتماعی.

*پژوهش حاضر با حمایت مالی و معنوی دفتر تحقیقات فرماندهی انتظامی استان زنجان انجام گرفته است

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی.

۲- استادیار جامعه‌شناسی مرکز پژوهش علوم جغرافیایی و اجتماعی تربیت معلم سبزوار

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

۴- کارشناس مدیریت بازرگانی

مقدمه

یکی از مسائلی که جوامع مدرن همواره با آن دست به گریبان بوده‌اند و به نظر عده‌ای جامعه‌شناسان یکی از مشخصه‌های انسان و جامعه مدرن به شمار می‌رود، آنومی^۳ است. آنومی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی یا بیماری جامعه مدرن نه تنها درمانی روشن نیافته، بلکه به دوران پسامدرن نیز انتقال یافته است. تغییرات سریع و شتابان اقتصادی و اجتماعی یکی از علل اساسی پیدایش آنومی در جوامع معاصر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است (کوثری، ۱۳۸۵: ۱).

سرقت یکی از جرایمی است که بسیار اتفاق می‌افتد و اهمیت نسبی آن در میان مجموعه جرایم رو به فزونی است. معمولاً برای ترسیم تصویری از وضعیت سرقت در یک جامعه به آمار دادگاه‌ها و پلیس مراجعه می‌کنند. اما همه می‌دانیم که عملاً فراگیری سرقت در جامعه بسیار بیش از مواردی است که به دادگاه کشیده می‌شود. دست در مال دیگران بردن فقط کار مجرمان حرفه‌ای نیست، مطالعات نشان داده‌اند که گاه در اجتماع‌های فقیرنشین حاشیه شهرها، کشرفتن جنس از مغازه یا داخل اتومبیل دیگران به بخشی از عادت‌های خرده‌فرهنگ نوجوانان و جوانان محله تبدیل می‌شود (اجلالی، ۱۳۸۱: ۶۳).

در این میان با پیچیده‌تر شدن زندگی انسان‌ها، انواع سرقت‌ها و نحوه انجام آنها نیز در جوامع پیچیده و متنوع گردیده و مجرمان با بهره‌گیری از ترفندها و شیوه‌های مختلف اقدام به سرقت می‌نمایند تا بیشترین منفعت را با به جای گذاشتن کم‌ترین اثر از خویش کسب نمایند که توجه به این مسئله، ضرورت مطالعه علمی و دقیق انواع سرقت‌ها و نحوه شکل‌گیری آنها را بیش از پیش می‌نماید.

۱ - سرقت‌هایی می‌باشند که در آنها سارق غریبومی بوده و در شهری غیر از شهر محل سکونت خود اقدام به سرقت می‌نماید.

۲ - کلیه سرقت‌هایی که در یک منطقه و محل مشخص توسط اشخاصی از اهالی و ساکنان بومی و مقیم همان محل انجام بگیرد سرقت غیرایستگاهی می‌نامند.

۳ - Anomy از ریشه یونانی Nomos (قانون) و a (بدون) گرفته شده است و در فارسی معادل‌هایی چون ناهنجاری و نابسامانی یافته است. ابتدا توسط دورکیم مطرح شد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۹).

برخی از دانشمندان کوشیده‌اند تا رابطه توسعه اقتصادی - اجتماعی را با آنومی در جوامع دستخوش تغییر و نوسازی شده نظیر چین، مالزی و اروپای شرقی بررسی کنند. ایتسلندر و دیگران نیز معتقدند: با توجه به آن که اکثر کشورهای جهان سوم نیز در اوضاع و شرایطی شبیه به کشورهای یاد شده هستند، بیش و کم میزانی از آنومی را تجربه می‌کنند. اینکه آنومی در این قبیل کشورها در حالتی حاد یا مزمن است؛ به نوع، سرعت و شدت تغییرات اقتصادی و اجتماعی در این کشورها بستگی دارد و خود محتاج پژوهش تجربی است (کوثری، ۱۳۸۵: ۱).

بیان مسئله

با گذشت زمان و تغییر روش‌های سرقت، نوع اموال و اشیای مسروقه و وسایل و ابزار مورد استفاده برای ارتکاب سرقت تغییر کرده، به طوری که امروزه برخی از سارقان از پیشرفته‌ترین روش‌ها و فنون برای پیشبرد کار خود کمک می‌گیرند، به همین لحاظ شیوه‌های مقابله با سرقت و روش‌های برخورد با سارقان هم متناسب با دگرگونی‌های سرقت متحول شده است (هوشمند و کوه‌شکاف، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

از آنجایی که این پدیده (سرقت) نه تنها به نظام مالی افراد مال‌باخته بلکه به اقتصاد و روان جامعه نیز لطمات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند، پیشگیری از وقوع آن و رسیدگی و کشف آن در حیطه مسئولیت و وظایف عمومی ناجا و بالاحص عوامل پاسگاه‌ها، کلانتری‌ها و ماموران آگاهی است (هاتفی اردکانی، ۱۳۸۱: ۸۳).

با توجه به تحلیل و بررسی نتایج آمارهای موجود و مقالات ارائه شده در اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران که در خرداد ماه ۱۳۸۱ برگزار گردید، اگر چه استان زنجان در رتبه‌بندی‌های صورت گرفته مربوط به سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۷۹ در زمینه انواع سرقت در رتبه‌های پایین قرار داشته است، با این همه وقوع برخی سرقت‌های خاص نظیر سرقت مسلحانه بازار در شهریور ماه ۱۳۸۵ و سرقت مسلحانه طلافروشی در اسفند ماه ۱۳۸۶ که در نوع خود کم‌نظیر و حتی به جرات می‌توان گفت که سرقت اخیر به جهت طولانی بودن میزان درگیری و تعقیب و گریز

انتظامی - امنیتی بی نظیر بوده است بنابراین، همین امر خود دلیل محکمی بر توجه و بررسی علمی و همه جانبه مقوله سرقت در شهر زنجان است.

آنچه در این میان بر اهمیت سرقت‌های ایستگاهی می‌افزاید، گسترش و شیوع این نوع از سرقت‌ها در سطح استان زنجان است. بررسی کلی آمارهای مربوط به سرقت‌های وقوع یافته در استان زنجان، موید این مطلب است که بیش از ۲۰ درصد کل سرقت‌های کشف‌شده در استان، توسط سارقان ایستگاهی به وقوع پیوسته است، که در این میان مهم‌ترین و پرحادثه‌ترین سرقت‌های استان در سال‌های اخیر (سرقت مسلحانه طلافروشی بازار در سال ۱۳۸۵ و سرقت مسلحانه طلافروشی منطقه فرودگاه در سال ۱۳۸۶) نمونه‌های بارزی از این مسئله می‌باشند. لذا پژوهش حاضر درصدد بررسی فرضیه‌های زیر می‌باشد:

۱. بین نحوه انجام سرقت و نوع سرقت (سرقت منزل، مغازه، خودرو و ...) رابطه معنادار وجود دارد.
۲. بین نحوه انجام سرقت و انگیزه سارقان رابطه معنادار وجود دارد.
۳. بین نحوه انجام سرقت و متغیرهای زمینه‌ای رابطه معنادار وجود دارد.
۴. بین نحوه انجام سرقت و سابقه کیفری سارقان رابطه معنادار وجود دارد.
۵. بین نحوه انجام سرقت و اعتیاد به مواد مخدر رابطه معنادار وجود دارد.

مبانی نظری پژوهش

اولین تلاش‌ها برای تبیین جرم و اشکال مختلف کج‌روی در حیطه زیست‌شناختی انجام شد. یکی از نخستین انسان‌شناسان فرانسوی به نام بُروکا مدعی کشف ویژگی‌هایی در جمجمه و مغز جنایت‌کاران شد که آن‌ها را از افراد پیرو قانون متمایز می‌ساخت. سزار لومبروزو^۱ در سال ۱۸۷۰ ادعا کرد که "بعضی افراد با تمایلات جنایت‌کارانه متولد می‌شوند، که بازگشت به اصل یا به نوعی انسان ابتدایی‌تر است..." (Giddens, 1982: 293).

1-Cesare Lombroso

اندیشه تاثیر ساختمان زیستی بر تبهکاری در بررسی های ویلیام. ا. شلدون Cohen, (218: 1968) در سال های ۱۹۴۰ قوت گرفت و شلدون^۱ برای توضیح نظر خود سه تیپ انسانی مزومورفها، الکترومورفها و اندومورفها را براساس ساختمان فیزیکی بدنشان از هم تفکیک کرد. از نظر او احتمال بزه کار شدن مزومورفها بیش از افراد لاغر یا فربه است. بررسی های گوناگون در حوزه مسائل مربوط به مجرمان تاییدکننده این دیدگاه نبوده است؛ هر چند بی توازن و بدقوارگی در میان جنایت کاران بیش از سایر مردم دیده می شود، اما این امر ممکن است به نگرش جامعه و فرد درباره این نقائص مربوط باشد (Klineberg, ۱۹۹۶: ۴۷۵).

اخیرا بعضی از محققان کوشیده اند تمایلات تبهکارانه را با وضعیت کروموزومی خاصی در توارث ژنتیکی مربوط کنند... تعداد نسبتا زیادی از این افراد یک کروموزوم^۲ اضافی داشته اند (Giddens, ۲۰۰۲: ۱۳۸). برمن تمایلات جنایی را مخصوص علائم غده ای می دانست، به نظر او دزدان، ولگردان و دروغ گویان از نوع هیپوفیزی هستند. از سویی هواداران مکتب روانکاوی معتقدند که رفتار انحرافی زمانی پیش می آید که نهاد فعال و غیرقابل کنترل با فراخود کمتر فعال ترکیب می شود و در همان حال خود سهل انگار می شود و در هدایت رفتار فرد نقشی ایفا نمی کند (Cohen, ۱۹۹۴: ۲۱۹).

در میان نظریات جامعه شناسی جرم، دیدگاه های دورکیم^۳ در کتاب قواعد روش جامعه شناسی اهمیت زیادی دارد. دورکیم تصور جامعه ای عاری از جرم را محال می داند. بنابراین آن را امری بهنجار تلقی می کند (Durkheim, ۱۹۷۶: ۸۶)، لذا برخلاف تصور رایج، مجرم را فردی خارجی و عنصری ناسازگار نمی داند.

دورکیم برای اولین بار مفهوم "بی هنجاری"^۴ را برای توضیح وضعیتی به کار برد که در آن جوامع امروزی معیارها و هنجارهای سنتی را بی آن که با هنجارهای

1-William. A. Shaldon

2 - Chromosome

3 - Durkheim

4 - Anomy

جدیدی جایگزین شوند، تضعیف می‌کنند (همان: ۹۰) مرتن^۱ نیز میان بی‌هنجاری و انحرافات اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند. وی مفهوم بی‌هنجاری را بر فشاری اطلاق می‌کند که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند بر رفتار افراد وارد می‌آید. وی افراد را براساس روش‌های منطبق فردی در پنج الگو خلاصه می‌کند: هم‌نویان - بدعت‌گذاران - شعائرگرایان - انزوآگرایان و شورش‌گرایان.

بر اساس نظریه "برچسب‌زنی" شخصی که به او برچسب زده شده است، ممکن است به همان ترتیب و مطابق با همان برچسب رفتار کند. همین که فرد خود را انسانی منحرف بشناسد و هم‌چون فردی منحرف با او رفتار شود، از جامعه دوری می‌کند و فقط به کسانی می‌پیوندد که مشابه خودش برچسب خورده‌اند (۱۴۳: ۲۰۰۲ Giddens).

ادوین. اچ. ساترلند^۲، یکی از اعضای مکتب شیکاگو^۳، جرم را به آن‌چه تفاوت ارتباطات نامیده، مربوط می‌داند. به اعتقاد او افراد از طریق ارتباط با دیگرانی که حامل هنجارهای تبه‌کارانه هستند، بزه‌کار می‌شوند. به نظر ساترلند، بیشتر رفتارهای تبه‌کارانه در درون گروه‌های نخستین به ویژه گروه‌های هم‌سالان فراگرفته می‌شود (Giddens, ۲۰۰۲: ۱۴۲). براساس نظریه "فرصت بزه‌کارانه"، برخی اعمال و حرکات و برخی ایام و اوقات زندگی را از حالات عادی و روزمره خارج می‌کند و موجب افزایش اعمال مجرمانه می‌شود (معدنی، ۱۳۷۰: ۱۳۵).

نظریه "بزه‌کاری و تضاد طبقاتی" جنایت را جلوه‌ای خاص از ستیز طبقاتی می‌داند. براین اساس تا زمانی که نابرابری اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، مجرم نیز وجود خواهد داشت. میشل بست برای تبیین نظریه خود نظریات برنشتاین را اساس قرار داد. جرایم طبقه پرولتاریا از نظر او مبتنی بر حرکت است و بیشتر به جرایمی مانند آدم‌کشی و سرقت‌های همراه با خشونت تمایل دارد. در مقابل افراد طبقه بورژوا بیشتر جنایات مبتنی بر سخن ضمن سوءاستفاده از اعتماد دیگران و

1 - Merton

2 - Sutherland

3 - Chicago School

بخش عمده تعدی به اموال عمومی را مرتکب می‌شوند (هوشمند و کوه‌شکاف، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

براساس نظریه‌های "انتخاب عقلانی" و "تفسیرهای جرم" افراد فقط به سوی فعالیت‌های تبه‌کارانه رانده نمی‌شوند، بلکه دست زدن به این اعمال را انتخاب می‌کنند (معدنی، ۱۳۷۰: ۱۴۳).

ورث^۱ به رابطه میان شهرنشینی و ارتکاب جرم اعتقاد دارد. به اعتقاد او زندگی شهری با تنوع ارزش‌ها و پندارها، مردمان مختلف را به خود جلب می‌کند و با تجمع آن‌ها اختلافات موجود تشدید می‌شود. در اجتماع مدرن شهری، رفتار و کردار گروهی چنان متنوع و پیچیده است که بسیاری از افراد از درک و قبول راه صحیح ناتوان می‌شوند و نمی‌دانند کدام رفتار و پندار درست است (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۲۸۵).

نظریه دیگری که به تبیین رفتار مجرمانه می‌پردازد "خرده فرهنگ منحرف" است. خرده فرهنگ منحرف به شیوه رفتار، ارزش‌های قالب و تفاهم متقابلی اطلاق می‌شود که بین اعضای یک گروه مشترک است، اما جامعه رسمی، آن‌ها را نمی‌پذیرد. بسیاری از اشخاصی که از جامعه رسمی طرد می‌شوند در صدد پیوستن به خرده فرهنگ منحرفند تا شاید در آنجا جایگاه، منزلت، رفاه و پذیرش مطلوب خود را پیدا کنند (هوشمند و کوه‌شکاف، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

همچنین بررسی‌های اخیر به کشف رابطه سن و جرم منجر شده است. به این شکل که افراد پس از ۳۵-۳۶ سالگی تمایل کم‌تری به ارتکاب به جرم داشته‌اند. همچنین در حدود چهل سالگی مجرمان به نحوی سعی در اصلاح خود دارند و از ارتکاب مستقیم جرم پرهیز می‌کنند (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۸۸).

1- Werth

دیدگاه‌های جدید فرصت بزهکاری

از آن جا که هیچ یک از این سه دیدگاه (انتخاب منطقی، الگوی بزهکاری و فعالیت روزمره) یک دیدگاه کامل و رسمی نیستند، بنابراین دیدگاه نامیدن آنها کمی اغراق آمیز است و به نظر می‌رسد بهتر است به آنها رویکرد اطلاق شود (کلانتری و قزلباش، ۱۳۸۸: ۱۱).

رویکرد فعالیت روزمره

این رویکرد در ابتدا برای تبیین جرایم سرقت و غارت‌گری مطرح شد. این نگرش بر این فرض استوار است که برای وقوع سرقت باید سه عنصر در زمان و مکان بر یکدیگر منطبق شوند. بزهکار، هدف مجرمانه مناسب و نبود یک نگهبان توانا برای مقابله با بزهکاری، سه عنصر یاد شده هستند (کلانتری و قزلباش، ۱۳۸۸: ۱۱). از منظر این دیدگاه چهار عنصر اصلی موثر در میزان آسیب‌پذیری اهداف مجرمانه عبارتند از:

- ارزش^۱: تمامی اهداف مجرمانه از چهار منظر ارزش، اینرسی، قابلیت دید و دسترسی مورد توجه بزهکاران قرار می‌گیرند. در مرحله نخست، بزهکاران معمولاً به اهدافی علاقمندند که به گونه‌ای ارزشمند است (کلانتری و قزلباش، ۱۳۸۸: ۱۳)؛
- اینرسی^۲: به بیان ساده اینرسی وزن یک شیء است. چرا که وسایل الکترونیکی کوچک معمولاً بیشتر از وسایل سنگین دزدیده می‌شوند (همان: ۱۳)؛
- قابلیت دید^۳ (در معرض دید بودن هدف)؛
- دسترسی^۴: منظور، دسترسی به هدف مجرمانه در خیابان‌ها اشاره دارد (همان: ۱۴).

1- Value
2- Inertia
3- Visibility
4- Access

رویکرد الگوی بزهکاری

الگوهای مکانی بزهکاری به این سوال پاسخ می‌دهد که چگونه ارتباط متقابل افراد با محیط، سبب ایجاد فرصت‌های کمتر یا بیشتر برای بزهکاری می‌شود. دیدگاه "الگوی بزهکاری"، هسته مرکزی گرایش جرم‌شناسی محیطی است. در این گرایش، چگونگی حرکت مردم و اشیاء و ارتباط آنها با بزهکاری در فضا و زمان مورد مطالعه قرار می‌گیرد. همانند رویکرد "فعالیت روزمره"، این دیدگاه نیز دربرگیرنده سه مفهوم اصلی به شرح زیر است:

۱. **گره‌ها:** گره مفهومی است که به امور حمل و نقل و جابجایی مکانی اشاره دارد و به مکان‌هایی اشاره می‌کند که افراد در آن جابجا می‌شوند. چنین مکان‌هایی نه تنها باعث بزهکاری در خود مکان می‌شوند، بلکه بر مکان‌های مجاور و نزدیک نیز تاثیر می‌گذارند. برای مثال ممکن است در محیط بیرون یک مشروب‌فروشی، جرایم بیشتری نسبت به داخل آن رخ دهد. بنابراین واژه گره، مفهوم حرکت را بیان می‌کند و دربردارنده مفهوم وسیع‌تری پیرامون فرصت‌های بزهکاری است (کلانتری، ۱۳۸۸: ۱۶).

۲. **مسیرها:** هر بزهکار در جستجوی اهداف مجرمانه پیرامون گره‌های فعالیتی خود یعنی در مسیر خانه، مدرسه و فضاهای تفریحی و مسیرهای بین آنها است. افزون بر این مسیرهایی که افراد در فعالیت‌های روزمره خود مورد استفاده قرار می‌دهند، ارتباط بسیار نزدیکی با مکان‌هایی دارد که بزهکاران قربانیان خود را در آنجا به دام می‌اندازند. به همین دلیل در رویکرد الگوی جرم، توزیع جغرافیایی بزهکاری در ارتباط با فعالیت‌ها بسیار مهم تلقی می‌شود. برای مثال توزیع جغرافیایی فعالیت‌ها به تولید نقشه‌های بزهکاری در ساعات مختلف روز و روزهای هفته کمک می‌کند. در این رویکرد، نقشه‌های جرم در ارتباط با جریان سفرهای روزانه افراد، زمان تعطیلی مدارس و مشروب‌فروشی‌ها و هر فرایند دیگری که باعث حرکت افراد در بین گره‌های فعالیتی در طول مسیرها می‌شود، مورد تحلیل قرار می‌گیرد (همان: ۱۷).

۳. **لبه‌ها:** سومین مفهوم در دیدگاه "الگوی بزهکاری" لبه‌ها است. لبه‌ها به مرزهای نواحی اشاره دارد، یعنی محدوده‌هایی که مردم در آن زندگی، کار و خرید می‌کنند یا محل تفریح و گذران اوقات فراغت آنها است. احتمال وقوع برخی جرایم در لبه‌ها بیشتر است. درگیری‌های نژادی و سرقت از مغازه از جمله جرایم است. علت این موضوع آن است که معمولاً افراد بیگانه و ناآشنا از محله‌های مختلف در لبه‌ها گرد هم می‌آیند. تمایز افراد آشنا و بیگانه به تأکید بیشتر بر اهمیت لبه‌ها کمک می‌کند. زیرا افراد محلی و آشنا معمولاً در نزدیکی محله خود مرتکب جرم می‌شوند در صورتی که بیگانگان لبه‌ها را برای ارتکاب جرم مناسب‌تر می‌دانند و پس از ارتکاب بزه به محله خود عقب‌نشینی می‌کنند (کلانتری، ۱۳۸۸: ۱۷).

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه، نظریه‌پردازان دیدگاه بزهکاری و سایر جرم‌شناسان محیطی دریافته‌اند نحوه طراحی و مدیریت یک شهر و میزان کاربری‌های تجاری در میزان بزهکاری بسیار موثر است.

رویکرد انتخاب منطقی

اساس رویکرد "انتخاب منطقی" بر تصمیم‌گیری فرد بزهکار استوار است. بر اساس این رویکرد، ارتکاب بزه، رفتاری هدفمند است که بزهکار با هدف کسب منفعت و توسل به روش‌های مختلف به عمل خلاف خود روی می‌آورد.

موانع، محدودیت‌ها و فشارهای فکری، میزان عقلانیت و منطقی‌بودن تصمیم بزهکار را کاهش می‌دهد. افزون بر این درجه عقلانیت رفتار بزهکار به مدت زمانی که وی در اختیار دارد، میزان تلاشی که صرف تصمیم‌گیری خود می‌نماید و کیفیت اطلاعاتی که در دسترس او قرار دارد، وابسته است.

دیدگاه "انتخاب منطقی" از منظر جرم‌شناسی بسیار واقع‌بینانه است، زیرا سعی می‌کند دنیا را از دیدگاه یک مجرم ببیند و به دنبال این است که دریابد که چگونه بزهکار نوع جرم و هدف مجرمانه خود را انتخاب می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۸: ۲۰).

به طور خلاصه این سه دیدگاه را می توان بر اساس کانون توجه آنها به کار گرفت. رویکرد "فعالیت روزمره" در یک گستره جغرافیایی، رویکرد "الگوی بزهکاری" در سطح یک محله و رویکرد "انتخاب منطقی" در حد یک فرد قابل استفاده است (کلانتری، ۱۳۸۸: ۲۱).

نظریه های بوم شناختی و جمعیت شناختی

نظریه بوم شناختی در مکتب شیکاگو^۱ توسط جامعه شناسانی چون پارک و برگس مطرح گردید. آنها در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت نظیر زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه های سکونتی و تراکم جمعیت تمرکز نمودند (احمدی، ۱۳۸۳: ۶۳). پارک معتقد است که نواحی شهری از پیشرفت و بهبود انگیزه های ساکنین جلوگیری می کند و باعث رواج انحرافات اجتماعی می گردد. سازمان فیزیکی شهر تأثیری عمیق بر الگوهای فرهنگی - اجتماعی زندگی شهری می گذارد (Sucher, ۱۳۸: ۱۹۷۸). یکی از پیش فرض های اساسی پارک و برگس این است که آن دسته از حوزه های درون شهرهای تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی سازمانی اجتماعی شده اند ارزش ها و سنت های بزهکارانه و جنایی را توسعه می دهند (احمدی، ۱۳۸۳: ۶۱). برگس معتقد بود که توسعه شهر همانند دوایر متحدالمرکزی شکل می گیرد که در هر یک از این دایره ها فعالیت خاصی در جریان است. دایره ۱ محل فعالیت های تجاری، منطقه ۲ تحت عنوان منطقه در حال تغییر و تبدیل نامگذاری شده و منطقه ای است که هسته اصلی شهر را احاطه می کند، منطقه ۳ محل سکونت کارگران، منطقه ۴ محل سکونت طبقه متوسط و منطقه ۵ محل سکونت طبقات مرفه جامعه می باشد که به شهر رفت و آمد دارند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۸۵). برگس اعتقاد داشت که در منطقه انتقالی (منطقه ۲) به دلیل سطح بالای تحرک جمعیت، میزان بالای مهاجرت، ویرانی خانه ها و تراکم جمعیت، بالاترین میزان جرم و بزهکاری مشاهده می شود (احمدی، ۱۳۸۳: ۶۲).

چارچوب نظری ترکیبی در تبیین سرقت‌های ایستگاهی

با توجه به اینکه از میان نظریه‌های مختلف مطرح شده، رویکردهای سه‌گانه "فرصت و بزهکاری" و نظریه‌های بوم‌شناختی و جمعیتی، به صورت بهتر و دقیق‌تر به تبیین جرایم پرداخته‌اند به عنوان چارچوب نظری پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش به صورت ترکیبی^۱ است و با استفاده از روش‌های کیفی و کمی و به صورت اسنادی^۲ و میدانی، اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه معکوس^۳ و در برخی موارد نیز به وسیله انجام مصاحبه و مشاهده جمع‌آوری گردیده است. بدین گونه که پرونده‌های تمام سارقان سرقت‌های وقوع‌یافته در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ در شهرستان‌های استان زنجان به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعات لازم جهت بررسی موضوع پژوهش، از درون آنها استخراج گردیده است.

جامعه مورد مطالعه و جمعیت نمونه پژوهش

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش ۴۹۳ نفر، یعنی همه سارقانی است که در طول سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ در شهرستان‌های استان زنجان مرتکب سرقت شده و توسط نیروی انتظامی دستگیر شده‌اند.

1 - Mix Method

2-Documentary method

۳- در تحقیقاتی همانند تحلیل محتوا نیز باید پرسش‌نامه‌ای تهیه شود و با مطالعه آثار مورد نظر تکمیل گردد، اما این پرسش‌نامه را از آن رو که داده‌ها (کتابها، اسناد، آمار و ...) در اختیار محقق هستند و صرفاً استخراج پاسخ از آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد پرسش‌نامه معکوس خواننده-اند (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۲۸۵).

ابزار گردآوری داده‌های پژوهش

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها و اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه معکوس^۱ می‌باشد و در برخی موارد با استفاده از ابزارهایی همانند مصاحبه به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از بعضی از کارشناسان انتظامی و متخصصان حوزه جرائم و آسیب‌های اجتماعی اقدام گردید.

تعاریف مفاهیم و متغیرها

تعاریف مختلفی از سرقت ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

سرقت کلمه‌ای عربی است که در فارسی دزدیدن و دزدی کردن و یا بردن مال دیگری معنی شده است (فرهنگ عمید، ۱۳۵۹: ۷۰۹).

سرقت اصولاً کنشی است نسبتاً عقلانی و حساب‌شده که طبق برنامه معین و با تصمیم‌گیری قبلی در مورد انتخاب قربانی و چگونگی فرایند انجام کار، صورت می‌گیرد (Conklin, ۱۹۷۲: ۶۰).

سرقت ایستگاهی: منظور از سرقت‌های ایستگاهی، سرقت‌هایی می‌باشند که در آنها سارق غیربومی بوده و در شهری غیر از شهر محل سکونت خود اقدام به سرقت می‌نماید و در واقع به صورت زنجیره‌ای، شهرها و مناطق مختلف را جهت انجام سرقت و به دست آوردن فرصت‌های اقدام مناسب سیر می‌نماید و از موقعیت ناشناخته بودن هویت خویش سوءاستفاده می‌کند.

سرقت غیرایستگاهی: تمام سرقت‌هایی که در یک منطقه و محل مشخص توسط اشخاصی از اهالی و ساکنان بومی و مقیم همان محل انجام بگیرد، سرقت غیرایستگاهی می‌نامند.

بررسی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین نحوه وقوع سرقت (ایستگاهی و غیرایستگاهی) و نوع سرقت رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۱- بررسی فرضیه اول تحقیق (رابطه بین نحوه سرقت و نوع سرقت)

Sig	N	df	Z	آزمون من ویتنی	آزمون X^2	ضریب کرامر	ضریب فی
۰.۰۴۵	۴۵۹	۱۰	۱.۸۰۷	۱۴۳۲۷	۵۲.۷۲۳	۰.۳۳۹	۰.۳۳۹

نتیجه بررسی بیانگر آن است که با توجه به میزان ضرایب فی و کرامر که مساوی با ۰/۳۳۹ بوده و میزان $Sig=0/045$ است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. همچنین جهت بررسی و تایید رابطه بین دو متغیر از آزمون‌های ناپارامتریک X^2 و من ویتنی نیز استفاده گردیده است که نتیجه آزمون نشانگر وجود رابطه معنادار بین دو متغیر می‌باشد.

همان‌گونه که در رویکرد "انتخاب منطقی" نیز تاکید گردید، فرد بزهکار به دنبال آن است که در انجام جرم و دست‌یابی به هدف مورد نظرش راحت‌ترین و کم‌خطرترین روش را انتخاب کند تا بیشترین نتیجه را کسب نماید. "بر اساس این رویکرد، ارتکاب بزه، رفتاری هدفمند است که بزهکار با هدف کسب منفعت و توسل به روش‌های مختلف به عمل خلاف خود روی می‌آورد" (کلانتری و قزلباش، ۱۳۸۸: ۲۰).

فرضیه دوم: بین نحوه انجام سرقت (ایستگاهی و غیرایستگاهی) و انگیزه سارقان آنها رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۲- بررسی فرضیه دوم (رابطه بین نحوه انجام سرقت و انگیزه سارقان)

Sig	N	df	Z	آزمون من ویتنی	آزمون X^2	ضریب کرامر	ضریب فی
۰.۰۴۹	۴۲۴	۱۰	۱.۹۶۵	۱۲۲۰۲	۳۰.۲۶۵	۰.۲۶۷	۰.۲۶۷

با توجه به میزان ضرایب فی و کرامر که مساوی با ۰/۲۶۷ و با توجه به میزان $Sig=0/۰۴۹$ ، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد.

تایید فرضیه دوم تحقیق نیز با رویکرد "انتخاب منطقی" و رویکرد "فعالیت روزمره" قابل تبیین می‌باشد، به طوری که بر اساس رویکرد فعالیت روزمره، هدف بزهکاری بیشتر از بزه‌دیده یا قربانی بزهکاری اهمیت دارد (کلانتری و قزلباش،

۱۳۸۸: ۱۱). دیدگاه "انتخاب منطقی" از منظر جرم‌شناسی بسیار واقع‌بینانه است، زیرا سعی می‌کند دنیا را از دیدگاه یک مجرم ببیند و به دنبال این است که دریابد که چگونه بزهکار نوع جرم و هدف مجرمانه خود را انتخاب می‌کند. بر اساس این دیدگاه، معمولاً هنگامی بزهکار به یک محیط گرایش پیدا می‌کند که در آن محیط فرصت‌هایی برای انجام اهداف مجرمانه او وجود داشته باشد (کلانتری، ۱۳۸۸: ۲۰).

فرضیه سوم: بین نحوه وقوع سرقت و متغیرهای زمینه‌ای (تاهل، جنسیت، سطح سواد، سن، محل زندگی، محل تولد و ...) رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۳ - بررسی رابطه بین نحوه سرقت و جنسیت سارقان

Sig	N	df	Z	آزمون من ویتنی	آزمون X^2	ضریب کرامر	ضریب فی
۰.۲۲۹	۴۴۰	۱	۱.۰۴۰	۱۵۸۱۵	۱.۰۸۳	۰.۰۴۹	۰.۰۴۹

با توجه به این که میزان $Sig=0.229$ بوده و بیشتر از ۰.۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض H_1 رد و فرض H_0 تایید می‌گردد و چنین نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت معناداری بین نحوه وقوع سرقت توسط سارقان زن و مرد وجود ندارد.

جدول شماره ۴ - بررسی رابطه بین نحوه سرقت و وضعیت تاهل سارقان

Sig	N	df	Z	آزمون من ویتنی	آزمون X^2	ضریب کرامر	ضریب فی
۰.۰۷۳	۴۵۶	۱	۱.۷۹۲	۱۴۳۴۳	۳.۲۱۸	۰.۰۸۴	۰.۰۸۴

با توجه به این که میزان $Sig=0.073$ بوده و بیشتر از ۰.۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض H_1 رد و فرض H_0 تایید می‌گردد و چنین نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت معناداری بین نحوه وقوع سرقت توسط سارقان متاهل و مجرد وجود ندارد.

جدول شماره ۵ - بررسی رابطه بین نحوه سرقت و محل سکونت سارقان

Sig	N	df	Z	آزمون من ویتنی	آزمون X^2	ضریب کرامر	ضریب فی
۰.۰۰۰	۴۶۱	۱۳	۷.۰۰۵	۷۹۰۰۵	۱۰۸.۵۳	۰.۴۸۵	۰.۴۸۵

با توجه به میزان ضرایب فی و کرامر که مساوی با ۰/۴۸۵ و با توجه به میزان $Sig=0/000$ با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد که تایید این فرضیه نیز با رویکرد "جمعیت‌شناختی و بوم‌شناختی" مکتب شیکاگو قابل تبیین می‌باشد.

جدول شماره ۶- بررسی رابطه بین نحوه سرقت و محل تولد سارقان

Sig	N	df	Z	آزمون من ویتنی	آزمون X^2	ضریب کرامر	ضریب فی
۰.۰۰۰	۴۶۰	۱۷	۷.۷۶۹	۷۸۶۶	۱۲۴.۳۷۴	۰.۵۲۰	۰.۵۲۰

با توجه به میزان ضرایب فی و کرامر که مساوی با ۰/۵۲۰ و با توجه به میزان $Sig=0/۰۰۰$ ، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. همان گونه که در فرضیه قبلی نیز بیان گردید، تایید این فرضیه نیز با نظریه "جمعیت‌شناختی و بوم‌شناختی" مکتب شیکاگو قابل تبیین می‌باشد.

جدول شماره ۷- بررسی رابطه بین نحوه سرقت و سطح سواد سارقان

Sig	N	df	آزمون کروسکال والیس	آزمون X^2	ضریب کرامر	ضریب فی
۰.۰۱۹	۴۰۳	۴	۳.۲۴۰	۳.۲۴۸	۰.۰۹۰	۰.۰۹۰

با توجه به این که میزان $Sig=0.۰۱۹$ بوده و بیشتر از ۰.۰۵ می‌باشد، لذا فرض H_1 رد و فرض H_0 تایید می‌گردد و چنین نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت معناداری بین نحوه وقوع سرقت توسط سارقان با سطوح مختلف تحصیلی وجود ندارد.

جدول شماره ۸- بررسی رابطه بین نحوه سرقت و سن سارقان

Sig	N	df	آزمون T	ضریب کرامر	ضریب اتا
۰.۰۴۷	۴۵۴	۴۵۲	۱.۰۰۳	۰.۱۰۹	۰.۲۹۴

با توجه به میزان ضرایب اتا و کرامر و میزان $Sig=0/۰۴۷$ ، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۹- بررسی رابطه بین نحوه سرقت و سابقه کیفری سارقان

Sig	N	df	Z	آزمون من ویتنی	آزمون X^2	ضریب کرامر	ضریب فی
۰.۰۲۳	۴۰۱	۱	۱.۹۶۷	۱۰۵۹۴	۲.۹۳۸	۰.۴۶۷	۰.۴۶۷

با توجه به میزان ضرایب فی و کرامر و میزان $Sig=0/۰۲۳$ ، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۱۰- بررسی رابطه بین نحوه سرقت و داشتن اعتیاد به مواد مخدر

Sig	N	df	Z	آزمون من ویتنی	آزمون X^2	ضریب کرامر	ضریب فی
۰.۰۰۱	۴۰۸	۱	۱.۶۶۴	۱.۴۴۴	۲.۴۴۲	۰.۵۶۲	۰.۵۶۲

با توجه به میزان ضرایب فی و کرامر و میزان $\text{Sig}=0/001$ ، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سرقت یکی از جرایمی است که به دلیل فراگیر بودن و وقوع فراوان آن، مورد توجه ویژه اندیشمندان و آسیب‌شناسان اجتماعی و مراکز انتظامی - امنیتی قرار می‌گیرد. علاوه بر این گسترش، تنوع و پیچیدگی‌های مربوط به وقوع جرایم به ویژه سرقت‌ها، لزوم توجه خاص به آن و بررسی علمی و دقیق آن جهت شناخت کامل و ارائه راهکارها و شیوه‌های کاربردی پیشگیری از آن را مضاعف می‌نماید. پژوهش‌های جامعه‌شناختی در مورد عوامل اجتماعی وقوع و شیوع سرقت بیانگر آن است که بین سرقت و افزایش بی‌رویه جمعیت، افزایش میزان بیکاری، فقر، بالا رفتن مخارج زندگی و تغییرات سریع در الگوهای مصرف، تغییر در هرم سنی و جوانی جمعیت و تراکم جمعیت مهاجر و جابه‌جایی جمعیت رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد (Reid, 2000: 125). افرادی که در مناطق شلوغ زندگی می‌کنند، جایی که کنترل‌های غیررسمی از بین رفته و افراد احساس گمنامی می‌کنند، آمادگی بیشتری برای سرقت دارند. علاوه بر این، فراهم بودن زمینه‌های سرقت به دلیل کاهش کنترل‌های رسمی و غیررسمی و عدم رعایت موارد ایمنی توسط مردم، موجب افزایش سرقت در جامعه می‌شود. برخی از عوامل اجتماعی سرقت را که در نتیجه تحقیقات مختلف به دست آمده است و در این پژوهش نیز با مدارک و اسناد فراوان و مستند به اثبات رسید، می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. **تراکم جمعیت:** جمعیت به عنوان یکی از متغیرهای اصلی و مهمی است که اغلب نظریه‌پردازان اجتماعی همانند دورکیم و اندیشمندان رویکرد جمعیت‌شناختی و بوم‌شناختی بر تاثیر آن در وقوع جرایم تاکید نموده‌اند و در تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نیز تاثیرگذاری متغیر تراکم جمعیت تایید گردید.

۲. بی توجهی یا کم توجهی دستگاه‌های انتظامی به موقعیت‌های مکانی و زمانی در کنترل و برقراری امنیت مناطق شهری: یکی دیگر از عوامل مهم که در میزان وقوع جرایم، به ویژه سرقت‌های ایستگاهی و غیرایستگاهی موثر می‌باشد، موقعیت‌های مکانی و زمانی می‌باشد؛ نکته‌ای که مورد تاکید رویکردهای سه‌گانه "فعالیت روزمره"، "الگوی بزهکاری" و "انتخاب منطقی" نیز بوده است به گونه‌ای که بررسی و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر موید این موضوع است.
۳. پدیده گمنامی و ناشناخته‌بودن هویت واقعی افراد: پدیده گمنامی و ناشناخته‌ماندن هویت افراد، به ویژه در شهرهای بزرگ و پرجمعیت یکی از عوامل اساسی است که تاثیر بسیاری در وقوع جرایم و سرقت‌ها دارد به گونه‌ای که اغلب مجرمان با بهره‌گیری از این فرصت، مرتکب جرایم، به ویژه سرقت‌های ایستگاهی و غیرایستگاهی می‌شوند. این نکته مورد توجه ویژه نظریه‌های مربوط به "سفر مجرمانه"، رویکردهای سه‌گانه "فرصت‌های بزهکاری" و دیدگاه مکتب "جمعیت‌شناختی و بوم‌شناختی شیکاگو" بوده است. این مطلب نیز در تحلیل داده‌های آماری تحقیق حاضر تأیید گردید.
۴. کمبود و ضعف نیروهای کنترلی انتظامی - امنیتی در مناطق و مراکز شلوغ و پرتردد: یکی از عوامل موثری که رویکردهای سه‌گانه فرصت‌های بزهکاری ("فعالیت روزمره"، "الگوی بزهکاری" و "انتخاب منطقی") بر آن تأکید می‌نمایند در معرض دیدبودن مقاصد مجرمانه، دسترسی آسان به آنها و عدم وجود نیروهای کنترلی و نظارتی مناسب و موثر در مناطق حساس و مهم است که زمینه‌های دشوارسازی دسترسی به آنها را فراهم سازد. این مطلب به عنوان یکی از مسایل مهمی محسوب می‌شود که بررسی و تحلیل داده‌های آماری موجود در این پژوهش نیز آن را مورد تأیید قرار داد.
۵. در معرض دید و دسترس بودن اهداف و مقاصد مجرمانه: از عوامل اساسی که رویکردهای سه‌گانه فرصت‌های بزهکاری بر آنها تأکید می‌نماید و در بند ۴ نیز به آن اشاره شد، در معرض دید بودن مقاصد مجرمانه و دسترسی آسان مجرمان

به آنها است. این نکته کاملاً مجزا از وجود یا عدم وجود کنترل های نظارتی موثر می باشد که باید به صورت کامل مورد توجه مدیران و مسئولان انتظامی و امنیتی قرار بگیرد.

۶. داشتن سابقه کیفری: یکی دیگر از عوامل موثر در وقوع سرقت "داشتن سابقه کیفری" می باشد، مسئله ای که مورد تأکید رویکرد "انگ زنی یا برچسب زنی افراد" است که تحلیل داده های آماری نیز آن را مورد تأیید قرار می دهد.
۷. فقر و محرومیت مادی: در جوامعی که نظام تأمین اجتماعی و نهادهای حمایتی نتوانند فقر را کنترل نمایند و نیازمندان را تحت پوشش و حمایت مادی قرار دهند، فقرا گروه های پرخطری خواهند شد که سرقت را راه حلی برای فقرزدایی یا رفع نیازهای اولیه انتخاب می کنند.
۸. گسیختگی خانوادگی: تزلزل در ارکان خانواده در اثر طلاق، تضعیف بهداشت روانی خانواده و ناسازگاری های زناشویی، روابط نامناسب والدین با فرزندان و عدم ارضای نیازهای عاطفی فرزندان توسط خانواده، جوانان را برای ارتکاب جرائمی نظیر سرقت مستعد می سازد. نکته ای که در بررسی ویژگی های اجتماعی و خانوادگی سارقانی که در این تحقیق بررسی شده اند، مورد تأیید قرار گرفت.
۹. مهاجرت و حاشیه نشینی: گسترش بی رویه شهرها و شیوع پدیده مهاجرت و حاشیه نشینی، میزان سرقت را در کلان شهرها افزایش داده است. انبوهی و تراکم جمعیت در مناطق حاشیه نشین به همراه مشکلات اقتصادی نظیر بیکاری و درآمد اندک و تضعیف کنترل های رسمی و غیررسمی در این مناطق زمینه را برای سرقت فراهم می کند (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۹۸).
۱۰. اعتیاد به مواد مخدر: طبق پژوهش انجام شده بین اعتیاد به مواد مخدر و سرقت رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد و بیشترین سرقت ها توسط افراد معتاد صورت گرفته بود (معدنی، ۱۳۷۰: ۴۹).

ارائه راهکارها و پیشنهادهای کاربردی

۱. با توجه به اینکه حوزه سرقت‌های ایستگاهی یکی از حوزه‌های جدید و ناشناخته است و تحقیقات چندانی نیز در این حوزه در کشور ما انجام نگرفته است به مراکز علمی - پژوهشی و پژوهشگران و محققان آسیب‌ها و جرایم اجتماعی توصیه می‌گردد که توجه بیشتری به انجام تحقیق در عرصه این نوع از موضوعات پژوهشی بنمایند تا زمینه‌های غنای علمی و تئوریک این حوزه‌ها فراهم گردد.
۲. در کنار پیشنهاد اول و به منظور تکمیل فرایند مذکور، به مسئولان و مدیران نیروی انتظامی و امنیتی توصیه می‌گردد، راه‌های دسترسی محققان و پژوهشگران حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی به اطلاعات و آمارهای موجود در آرشیوهای نیروی انتظامی را، به منظور انجام تجزیه و تحلیل‌های علمی و روشن‌سازی بسیاری از نکات مبهم و مسائل ناشناخته حوزه‌های مختلف جرایم و آسیب‌های اجتماعی تسهیل نمایند.
۳. تقویت ارتباط و تعامل بین دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و مراکز علمی، دانشگاهی و پژوهشی، جهت برخورداری هر دو حوزه فوق از قابلیت‌ها و توانمندی‌های یکدیگر جهت ارتقای سطح فعالیت‌ها و افزایش میزان کارایی و اثربخشی اقدامات در حال انجام.
۴. برگزاری کلاس‌های آموزشی توسط مسئولان و تصمیم‌گیران نیروی انتظامی برای کارکنان بخش‌های مرتبط با موضوع پژوهشی حاضر و ارائه نتایج و یافته‌های تحقیق، به منظور ارتقای سطح شناخت آنان به ویژگی‌ها و مشخصات اصلی و بارز سارقان انواع سرقت‌ها در حوزه‌های ایستگاهی و غیرایستگاهی.
۵. امکان انجام مصاحبه‌های عمیق با سارقان اصلی سرقت‌های ایستگاهی و غیرایستگاهی فراهم شود تا دستیابی به اطلاعات، دقیق‌تر صورت گیرد و ریشه‌ها و علل اصلی ارتکاب این نوع از سرقت‌ها بهتر شناسایی شود.

۶. آموزش شیوه های شناسایی سارقان سرقت های ایستگاهی به ماموران و نیروهای انتظامی به منظور پیشگیری از بروز و وقوع این نوع از سرقت ها و افزایش توان ماموران در برخورد سریع، دقیق و اثربخش با این مجرمان.
۷. با توجه به رویکردهای مورد استفاده در چارچوب نظری و تحلیل داده های آماری، اغلب سرقت های ایستگاهی و غیرایستگاهی در مناطق و محلات شلوغ و دارای تراکم جمعیتی بالا رخ می دهد. بنابراین به مسئولان و تصمیم گیران نیروی انتظامی پیشنهاد می گردد که به منظور کنترل و نظارت دقیق و برنامه ریزی شده به این گونه مناطق توجه ویژه بنمایند و با استفاده از روش های مختلف همانند افزایش میزان نور و روشنایی، برخورداری از توانایی ها و قابلیت های ساکنان منطقه، استقرار جایگاه های ویژه انتظامی در این مناطق، بکارگیری نیروهای پلیس محله جهت پوشش مستمر و کامل منطقه و ... زمینه های انجام آسان سرقت های ایستگاهی و غیرایستگاهی را از بین برده یا کاهش دهند.
۸. با توجه به اینکه نتایج تحلیل داده ها نشانگر وجود رابطه معناداری بین داشتن سابقه جرم و انجام سرقت های ایستگاهی و غیرایستگاهی بوده و اغلب سارقان سابقه دار می باشند، به مسئولان نیروی انتظامی پیشنهاد می گردد که به منظور کاهش امکان اقدام مجدد این گونه افراد به سرقت و جرم، کنترل و نظارت های غیرمستقیم و نامحسوس بیشتری بر روی آنها صورت بگیرد و از راه های مختلفی همانند اعلام حضور مداوم در مراکز انتظامی محلی، استفاده از قابلیت ها آنان در برقراری امنیت منطقه، برخورداری از تجارب آنها در انجام سرقت به منظور دستیابی به روش های پیشگیرانه از وقوع سرقت های ایستگاهی و غیرایستگاهی و ... کنترل موثرتر و دقیق تری بر آنها صورت بگیرد.
۹. استفاده از دوربین های مدار بسته، بکارگیری آژیرهای خطر و اتصال آنها به حوزه ها و کلانتری های محل، که در کنار آن به مسئولان انتظامی نیز پیشنهاد می شود تا نسبت به استفاده و بکارگیری موارد فوق توسط افراد و صاحبان اماکن، الزام های اجرایی در نظر بگیرند.

۱۰. ایجاد مراکز کلانتری و پاسگاه در مناطق پرتراکم و مرکزی جهت افزایش نظارت و کنترل بر وضعیت مناطق و اسقرار ایستگاه‌های پلیس که نیاز به تجهیزات زیاد اداری - انتظامی زیادی نداشته و در مقایسه با مراکز کوپ^۱ نیروی انسانی کمتری را نیاز دارد. در پایان نباید از این نکته غافل شد که رعایت و حفظ حریم خصوصی خانواده‌ها و شهروندان، امری ضروری است که باید مورد توجه مسئولان و مدیران عملیاتی و انتظامی قرار گیرد.

منابع

فارسی

- اجاللی، پرویز (۱۳۸۱). "چکیده مباحث مطرح شده در محور سرقت" مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران: جلد ششم (مسایل و جرایم مالی - اقتصادی و سرقت)، انتشارات آگاه.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۳). "بررسی عوامل مؤثر بر تمایل حاشیه‌نشینان بر رفتار بزه‌کارانه. مطالعه موردی حاشیه‌نشینان شهر شیراز". مجری طرح: دانشگاه شیراز، مرکز جمعیت‌شناسی.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
- انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۸۱). خلاصه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات دبیرخانه همایش.
- ترنر، جاناتان، اچ (۱۳۷۳). ساخت نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۰). بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

۱ - منظور مراکز کلانتری و پاسگاه می‌باشد.

- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی. جلد اول و دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- ستوده، هدایت ا... (۱۳۸۴). جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران. تهران: نشر ندای آریانا.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹). جامعه شناسی انحرافات و آسیب شناسی جامعه‌ی. مشهد: نشر مردنیز.
- صالح صدق پور، بهرام و دیگران (۱۳۷۸). "بررسی عمل و انگیزه ارتکاب جرم سرقت در نیروهای مسلح و مقایسه آن با جامعه غیرنظامی"، تهران: به حمایت سازمان قضایی نیروهای مسلح.
- عبدالمهدی حقی، مریم (۱۳۸۳). "پیشگیری جرم از طریق برنامه ریزی کاربری اراضی شهری (مورد مطالعه: سرقت در شهر زنجان)"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
- فرزین، فرشاد (۱۳۸۱). "عوامل اقتصادی - اجتماعی موثر بر سرقت بین جوانان زیر ۲۵ سال شیراز" شیراز: به حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه شیراز.
- فلسون، مارکوس و کلارک، رونالد وی (۱۳۸۸). فرصت بزهکاری، نگرشی کاربردی برای پیشگیری از بزهکاری، ترجمه: محسن کلانتری و سمیه قزلباش، زنجان: انتشارات دانش.
- قربان حسینی، علی اصغر (۱۳۷۱). جرم شناسی و جرم یابی سرقت، تهران: جهاد دانشگاهی.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۶). نظریه های آنومی اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی دانشگاه تهران.
- معدنی، سعید (۱۳۷۰). بررسی عوامل موثر بر وقوع سرقت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- هاتفی اردکانی، حسین (۱۳۸۱). "برخی ویژگی‌های سرقت از اماکن در یزد، خرم‌آباد و شرق تهران: نگاهی مقایسه‌ای" مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران: جلد ششم (مسایل و جرایم مالی - اقتصادی و سرقت)، انتشارات آگاه.
- هوشمند، احسان و کوه‌شکاف، ناهید (۱۳۸۱). "پدیده سرقت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن استان کردستان (۱۳۷۶-۱۳۷۷)" مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران: جلد ششم (مسایل و جرایم مالی - اقتصادی و سرقت)، انتشارات آگاه.

انگلیسی

- Clinard, Marshall B. and Robert F. Meier (1995), *Sociology of Deviant Behavior*, 9th ed, Philadelphia: Harcourt Brace College Publishers.
- Cohen, A. K. (1955), *Delinquent Boys*, New York: Free Press.
- Cloward, R. A and L. E. Ohline (1960), *Delinquency and Opportunity*, New York: Free Press.
- Cohen, Albert, K. (1968). *Deviant Behavior- International Encyclopedia of social science*. New York: free press.
- Conklin, John E. 1972. *Robbery and the Criminal Justice System*. Philadelphia: Lippincott.
- Durkheim, Emil (1976), *Moral Education: A Study in the Theory and Application of the Sociology of Education*, New York: Free Press.
- Greenberg, Davide F. (Ed). (1981), *Crime and Capitalism: Reading in Marxist Criminology*, Palo Alto, California: Mayfield.

- Merton, Robert K. (1968), *Social Theory and Social Structure*, Enlarged Edition, New York: Free Press.
- Reid, S. T. (2000), *Crime and Criminology*, U. S. A.: McGraw – Hill Higher Education.
- Shaw, C. R. and Mckay, H. D. (1931). *Social Factors in Juvenia* New York: *Delinquency Report on the Causes of Crime* vol. II. Plenum press.